

## ● معرفی و نقد کتاب

---

### ساختارهای صهیونیستی

صبری جریس و احمد خلیفه، ساختارهای صهیونیستی، ترجمه قیس زعفرانی (تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات: ۱۳۸۱)، ۷۲۱ ص.

---

رابطه ایشان با آن و همچنین پیوستی که در پایان کتاب آمده به معرفی اعضای هیأت دولت، نخست وزیر و پارلمان می‌پردازد. در اینجا خلاصه‌ای از هر فصل را به اختصار می‌آوریم:

فصل اول (نظام قانون‌گذاری و نظام قضایی) نوشته انیس شقور می‌باشد. در این فصل ابتدا درباره نظام قانونی (قوه مقننه) توضیحاتی آورده شده است، از جمله این که در نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد لزوم ایجاد دو دولت یهودی و عربی را در فلسطین مقرر کرد. این بیانیه قسمتی از سرزمین فلسطین را برای یهود و قسمتی را برای اعراب در نظر گرفته بود، علاوه بر این که قدس و مناطق اطراف آن زیر نظر نظام بین‌المللی خاص قرار

مؤسسه تحقیقات فلسطین که مؤسسه‌ای مستقل و عربی است در سال ۱۹۶۳ با هدف تحقیق علمی پیرامون جوانب مختلف مسأله فلسطین و جنگ اعراب و اسرائیل تأسیس گردید. کتاب ساختارهای صهیونیستی توسط این مؤسسه به چاپ رسیده است که شامل یک مقدمه، دوازده فصل و دو پیوست می‌باشد. در آخر هر فصل منابع مربوط به آن فصل آورده شده است، در واقع این کتاب قصد دارد تعریفی واقعی و درست از اسرائیل و جوانب مختلف آن ارائه دهد. به‌خصوص در زمینه جنبش صهیونیسم و مؤسسات مربوط به آن و تغییر و تحول اوضاع عمومی یهود در جهان و توزیع کنونی آنها و دیدگاه یهود نسبت به اسرائیل و

می‌گرفت. بیانیه‌ای نیز مبنی بر لزوم تأسیس دولتی یهودی در سرزمین اسرائیل صادر کرد و مجمع عمومی از ساکنان اسرائیل خواست، برای اجرای این بیانیه مسئولیت اجرای تمام امور حیاتی و مهم را خود برعهده گیرند.

بنابراین هدف اصلی از ایجاد و تأسیس اسرائیل تشکیل دولتی برای اقامت یهود در فلسطین یا درهرجای دیگر جهان است و هر یهودی در جهان حق ورود به اسرائیل و گرفتن شناسنامه اسرائیلی را دارد. اولین قانونی که مجلس اسرائیل صادر نمود، تمام قوانینی را که ورود دخالت یهود و اسکان آن‌ها را در فلسطین محدود می‌کرد، لغو می‌نمود و به هر یهودی که قبل از تأسیس اسرائیل وارد فلسطین شده بود، تابعیت مشروع و شهروندی اسرائیل می‌بخشید بنابراین دولت درهای خود را به روی ورود تمام یهودیان بازگذاشته بود.

از جمله دستورات، قوانین و قانون اساسی اسرائیل می‌توان به قانون کنیست، قانون نخست وزیر، قانون دولت، قانون ارتش و قانون اشتغال به کار اشاره کرد. که تغییر، تعدیل یا ابطال این قوانین در کنیست جز با موافقت اکثریت حاضران و در مواقع غیرمترقبه انجام نمی‌شود. ساختار قضایی (قوه قضائیه) اسرائیل

از دادگاه‌های صلح تشکیل شده است و دادگاه‌های مرکزی بر کار این دادگاه‌ها نظارت می‌کنند. جریان قضاوت و دادرسی در دادگاه‌های مدنی مستقل و آزاد است و هر قاضی در کار خود مستقل و آزاد عمل می‌کند و هیچ کس حق ندارد که در قضاوت و شیوه عمل قاضی و تصمیمات وی دخل و تصرف کند. تمام این دادگاه‌ها زیر نظر اداره دادگاه‌ها در قدس می‌باشند. مسئولیت دادگاه برعهده رئیس دادگاه است که او نیز از میان قضات بلندمرتبه و کاردان انتخاب می‌شود، حوزه کار وی محدود به امور اداری بوده و هیچ تسلط و نفوذی بر قضات مدنی نداشته و جز از طریق قانون نمی‌تواند به آنها موردی را تحمیل کند.

فصل دوم (ترکیب جمعیت) نوشته محمود معیاری می‌باشد.

هدف این بخش از کتاب تشریح و توضیح مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های ترکیب جمعیت جامعه اسرائیل است. چون این جامعه به طور کلی جامعه‌ای نیست که دارای ریشه‌های تاریخی باشد به خصوص پس از مهاجرت یهود که باعث شد بافت جمعیت فلسطین کاملاً تغییر کند. به طور کلی این فصل به موضوعات زیر می‌پردازد: مهاجرت

مسئول در حکومت و هیأت مرکزی نظام سیاسی اسرائیل به شمار می‌آید. قانون اساسی وظایف و اختیارات کنیست را چنین مشخص می‌کند: کنیست از یک مجلس که دارای ۱۲ عضو است تشکیل می‌شود و انتخابات اعضا یا نمایندگان مجلس با دادن رأی مخفی و براساس کسب بیشترین درصد آرای نسبی صورت می‌گیرد و از جمله وظایف دیگر انتخاب نخست وزیر است که با آرای مخفی نمایندگان انتخاب می‌شود، همانطور که می‌تواند در شرایطی معین و باشرطی محدود او را از منصبش برکنار نماید.

همچنین دولت شاخه اجرایی نظام بوده و مقرر آن در قدس است. دولت مقابل کنیست مسئول بوده و برای شروع کار و ادامه فعالیت باید رأی اعتماد کنیست را به دست آورد یا نهایتاً این که دولت صلاحیت و قدرت خود را از کنیست به دست می‌آورد.

از جمله وزارتخانه‌های اسرائیل می‌توان به وزارت دارایی، وزارت دفاع، کشاورزی، بهداشت، پلیس و علوم تکنولوژی اشاره کرد.

فصل چهارم (احزاب سیاسی) نوشته احمد خلیفه می‌باشد. از مهم‌ترین مطالب مطرح

صهیونیسم به فلسطین، مهاجرت معکوس، رشد و نمو جمعیت، ترکیب دوگانه زبان‌های مورد استفاده، زاد و ولد و مرگ و میر، تبعیض و تمایز طبقاتی و نهایتاً روابط گروه‌های دوگانه. در پایان این فصل اشاره می‌کند که یهود به دو گروه اصلی یهودیان غرب و یهودیان شرق، تقسیم می‌شود: که یهودیان شرق به اختصار به کسانی اطلاق می‌شود که از زمان تبعید اجدادشان از فلسطین به طور پیوسته در آسیا و آفریقا ساکن بوده‌اند.

فصل سوم کتاب (نظام حاکم) نوشته الیاس شوقانی است در این فصل بیان شده که اسرائیل تا سال ۱۹۹۵ قانون اساسی مکتوب و کاملی نداشت و حد و مرزهای دولت و اعمال و فعالیت‌های آن را مرزهای جغرافیایی، انسانی و حتی سیاسی مشخص و اساس روابط میان قدرت حاکم را پایه‌گذاری می‌کرد، تا این که قوانین چندی را پارلمان به عنوان "قانون اساسی" تصویب و اجرای آن را بر دولت لازم فرض کرده، از جمله این قوانین قانون کنیست، املاک و اراضی نخست وزیر، دولت، ارتش، املاک دولتی و درآمد حاصله از آن و قضاوت و نظارت بر دولت بود.

کنیست (پارلمان) اسرائیل، قوه مقننه نظام حکومتی این کشور و یکی از دستگاه‌های

شده در مورد احزاب سیاسی اسرائیل در این فصل این که (در اواخر سال ۱۹۹۴) ۱۸ حزب در اسرائیل فعالیت دارند، که ۱۴ تای آنها دارای نمایندگانی در پارلمان هستند، همچنین تعدادی جبهه و جنبش نیز وجود دارند که نمی توان بر آنها نام حزب سیاسی نهاد. اکثر احزاب قدرتمند اسرائیل احزاب قدیمی هستند که نقش مهمی در ایجاد و تکوین جامعه یهود در زمان قیمومیت بریتانیا در فلسطین و تأسیس دولت یهود پس از آن داشتند و پس از تأسیس اسرائیل نیز نقش های متعدد، مهم و حساسی در حیات سیاسی و عمومی کشور بازی کردند. حزب حاکم اسرائیل "عمل" (کارگر) در حال حاضر منتخب به این نوع احزاب است، هم چنین احزاب "ماپام" در دولت شرکت دارد و "لیکود" که بزرگترین حزب جناح مخالف است، از این نوع به شمار می آیند. از جمله احزاب مذهبی هم می توان به "مفدال" و "آگودات یسرائیل" اشاره کرد، در میان احزاب عربی هم حزب "راکح" از این دست به شمار می آیند.

اما باقی احزاب نسبتاً جدید بوده و اکثر آنها در دهه های اخیر به خصوص سه دهه اخیر در پی مسائل نظامی و تحولات سیاسی، شهرک سازی، اجتماعی به وجود آمدند. اکثر این

احزاب از یک مشرب نشأت گرفته و دیدی کامل برای درمان مشکلات اجتماعی و دولت دارند. همچنین از بارزترین نشانه های نظام حزبی در اسرائیل کثرت احزاب و ظهور مداوم احزاب جدید است که این خود دلیل شکاف های اجتماعی - اقتصادی موجود در جامعه می باشد. که بارزترین آن درحال حاضر جدایی یهودیان شرق (سفاردیم) و یهودیان غرب (اشکناز) و اختلاف بر سر هویت دولت و بافت کلی آن است و خصوصیت مهم و بارز دیگر نظام حزبی اسرائیل نقش های متعددی است که برخی از احزاب دارند و بازی می کنند برخی از احزاب فقط در زمینه های سیاسی عمل می کنند و برخی دارای نقش معمول احزاب در دموکراسی های غرب هستند. همچنین این احزاب به طور عام از یک کنگره که قدرت عالی حزب به شمار می آید، تشکیل می شوند. این کنگره سیاست های کلی و عمومی حزب را پایه ریزی می کند.

#### فصل پنجم (اقتصاد) اثر فضل النقیب

است. در این فصل نیز بیان شده که اقتصاد یهود در دوره قیمومیت بریتانیا سریعاً و در تمام سطوح رشد کرد و پیشرفت نمود. به گونه ای که تولید ناخالص ملی هر پنج سال یک بار دو برابر می شد، درحالی که میزان جمعیت یهود هر

امریکا و اسرائیل ندارند که این رابطه تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی را در برمی‌گیرد چون اسرائیل تکیه کاملی بر حمایت‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی امریکا دارد.

فصل ششم (علم و تکنولوژی) نوشته نزار ال‌ریس می‌باشد. در این مبحث بیان شده که جنبش صهیونیسم از ابتدا به اهمیت علم و تکنولوژی پی برده بود و می‌دانست این تنها راهی است که به وسیله آن می‌توان تفوق صنعتی خود را تحقق بخشید و حفظ کند، به همین دلیل جدای از جمعیت و در دست بودن یا نبودن مواد خام، توجه خود را به این مهم (علم و تکنولوژی) مبدول داشت و در این راه ایجاد مؤسسات و مراکز علمی که بتواند مغزها را پرورش دهد و به بحث و تحقیق بپردازد، مورد توجه قرار گرفت که تا حد بسیار زیادی در تحقق این اهداف موفق بوده به گونه‌ای که در خلال ده سال گذشته از راه تبدیل جامعه سنتی فلسطین به جامعه صنعتی مدرن به مرحله پیشرفته‌ای برای ایجاد یک کشور صنعتی دست یافته است. از جمله دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی و پژوهش‌های علمی اسرائیل می‌توان به دانشگاه‌های عبری، بار، ایدان، تل‌آبیب، بن

هشت سال یک بار دو برابر می‌شد و با ایجاد اسرائیل و تأسیس این کشور، یهود بر کل اقتصاد عربی فلسطین مسلط شدند. همچنین بیانیه صهیونیسم درحالی که هیچ عناصر اقتصادی برای خود نداشت، به عنوان طرح شهرک سازی یهود کار خود را آغاز کرد و با کمک سه عامل موفق شد بر "مشکلات اقتصادی" غلبه کند. این عوامل عبارت بودند از: ۱) حمایت بریتانیای کبیر از طرح صهیونیسم و استراتژی بین‌المللی آن ۲) تسلیم شدن احزاب کارگری یهود در قبال رهبری جنبش صهیونیسم و قدرت این جنبش در تنظیم زندگی مهاجران یهود ۳) ورود و ریزش سرمایه‌ها از خارج، این موضوع برای یهودیان این امکان را فراهم می‌ساخت تا اموال بسیاری برای ساخت بخش‌های تولیدی خرج کنند.

از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد اسرائیل حجم بخش عمومی است که از سه دستگاه با ارگان تشکیل شده است. دستگاه دولتی، دستگاه هستدروت و دستگاه مراکز و مؤسسات صهیونیستی و بخش‌های مهم اقتصادی اسرائیل شامل: مؤسسات نظامی، روابط اسرائیل و امریکا و اقتصاد اعراب در اسرائیل می‌باشد. همچنین درحال حاضر هیچ یک از دول جهان رابطه‌ای همانند رابطه دولت

گورین، حیفاء، مؤسسه وایزمن، مؤسسه التحیون (تکنیک) و دانشگاه المفتوحه اشاره نمود.

همچنین صنایع نظامی پیشرفته اسرائیل بر دست‌آورد‌های علمی و تکنولوژیکی تکیه می‌کند و در این میان دو مرکز وجود دارند که از سایر مراکز مهم‌ترند. اولی مرکز تحقیقات و گسترش پژوهش‌ها در وزارت دفاع اسرائیل است که مسئولیت تأسیس و ایجاد تأسیسات زیربنایی را عهده‌دار است. این مراکز اطلاعات علمی و تکنولوژیکی برتر را در اختیار وزارت دفاع قرار می‌دهند. اما مرکز دوم (هیأت مدرنیزه کردن جنگ افزارها) (رفائیل) می‌باشد که بزرگترین هیأت تحقیقی و پژوهشی اسرائیل به شمار می‌آید و مسئولیت در اختیار قرار دادن طرح‌ها و نقشه‌های مهمات و سلاح‌هایی که مدرنیزه کردن آنها برای ارتش ضروری و یا مفید به حال صادرات می‌باشد را عهده‌دار است.

فصل هفتم (آموزش و پرورش) نوشته عزیز حیدر است. از جمله مباحث مطرح شده در این فصل این که نظام آموزشی اسرائیل پس از تأسیس این کشور مقابل سه جریان قرار گرفت و تابع این سه جریان شد. ۱) جریان عمومی، دانش‌آموزان طبقه متوسط ساکن شهرها و

شهرک‌های کشاورزی را در برمی‌گیرد و خط فکری آنها از جریان سیاسی دست راستی‌ها سرچشمه می‌گیرد. ۲) جریان کارگری، این جریان نمود تفکر احزاب و گروه‌های کارگری است. ۳) جریان مذهبی، این جریان فرزندان اصول‌گرایان جنبش صهیونیسم را در برمی‌گیرد که به "همزراحی" معروف هستند.

همچنین وظایف و نقش‌ها در جریان آموزش و پرورش اسرائیل میان تعداد زیادی از وزارتخانه‌ها، مراکز قدرت محلی، هیأت‌های رسمی و غیررسمی، سازمان‌های سهامی خاص و جمعیت‌های خیریه تقسیم می‌شود. به همین دلیل در اسرائیل مراکز و مؤسسات زیادی وجود دارند که در ماهیت مؤسسات آموزشی، منابع دریافت بودجه، اداره کردن محیط آموزشی و شیوه‌های تدریس دخل و تصرف می‌کنند. هستدروت (سندیکای عمومی کارگران) نقش مهمی در جریان آموزش و مؤسسات رسمی و غیررسمی داشته و مالکیت بسیاری از مؤسسات را در مراحل مختلف آموزشی به نحوه زیر برعهده دارد؛ ۱) مشارکت وسیع و گسترده در امر آموزش به وسیله مؤسسات "یغمت" (سازمان زنان تحت پوشش و کارگر)، ۲. آموزش فنی و حرفه‌ای سازمان "عمان" وابسته به

خدمت سربازی را انجام دهند، به همین دلیل براین جامعه نام "جامعه مسلح" یا "امت مسلح" داده شد. مؤسسات نظامی نه فقط به امور و مسائل نظامی می‌پردازند؛ بلکه در تمام مسائل اجتماعی و اقتصادی آشکارا دخالت می‌کنند.

همچنین بیان شده که مفهوم استراتژی امنیت ملی اسرائیل با توجه به مسائل و مشکلات زیر پایه‌ریزی می‌شود: (۱) کم جمعیت بودن اسرائیل در قبال نیرو و قدرت جمعیتی اعراب (۲) اختلاف و تفاوت عوامل اقتصادی و نیروی انسانی از لحاظ نظری که به برخی از طرف‌های غربی اجازه می‌دهد از استراتژی جنگ بلندمدت پیروی کنند و آن را دنبال نمایند. (۳) کوچک بودن مساحت جغرافیایی اسرائیل (۴) امکان دخالت دولت‌های بزرگ به تنهایی یا با هم‌دستان خود برای توقف جنگ، قبل از این که اسرائیل بتواند به اهداف مورد نظرش دست پیدا کند و طرف مهاجم را شکست دهد.

هیأت ستاد مشترک اسرائیل به فرماندهی رئیس ستاد مشترک نظارت بر نیروهای مسلح سه گانه را برعهده دارد، اگرچه نیروی هوایی و دریایی از استقلال برخوردار می‌باشند. ستاد مشترک خود به دو بخش اجرایی، و فنی و حرفه‌ای تقسیم می‌شود و

هستدروت که از حیث اهمیت در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای در مقطع دبیرستان پس از "یغمت" قرار می‌گیرد. این سازمان اقدام به تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای و تکنولوژیکی نموده و بخشی از مؤسسات رسمی آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد. (۳) هستدروت تعدادی از مدارس داخلی در مقطع دبیرستان را در اختیار داشته که در آنها به تدریس می‌پردازد و آموزش فرزندان مهاجران جدید و مستمند که از اعضای هستدروت می‌باشند را برعهده گرفته است و همچنین جریان آموزش در اسرائیل از ابتدا تا پایان مقطع دبیرستان به پنج مرحله تقسیم می‌شود که می‌توان این مقاطع را در مراکزی که "سیستم اصلاحی" در آنها به اجرا درآمده است، گذراند. مرحله اول، شیرخوارگی و نوپایی، ۳ ماهگی تا ۲ سالگی، مرحله دوم، آموزش غیرالزامی، ۳ تا ۴ سالگی، مرحله سوم ابتدایی و مرحله چهارم، راهنمایی و مرحله پنجم دبیرستان می‌باشد.

فصل هشتم (مراکز نظامی) نوشته محمد زهیردیاب است، بنابراین فصل، اسرائیل با صبغه و گرایش نظامی از سایر کشورها متمایز می‌گردد و چون مقرر شده تمام زنان و مردان اسرائیل که قادر بر حمل سلاح هستند باید

بالتبع فرماندهی هم به دو بخش فرماندهی اداری و فرماندهی عملی تقسیم می‌شود. رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل نیروهای مسلح به شمار می‌آید و دارای درجه "راف آلف" (جنرال) است و سلاح‌های مدرن اسرائیل شامل سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی و موشک‌های آن است.

همچنین صنعت نظامی اسرائیل بیش از هر صنعت دیگری در این کشور و حتی نسبت به منطقه خاورمیانه پیشرفت کرده و رشد نموده است. صنایع نظامی این کشور به غیر از همکاری تنگاتنگ با ایالات متحده و کشورهای اروپایی خود مستقیماً دست به تولید سلاح و ابزارهای نظامی می‌زنند.

فصل نهم (اوضاع فلسطینی‌ها در اسرائیل) نوشته ایلیا زریق است از جمله مباحث مطرح شده در این فصل این که: سیاست‌های دولت اسرائیل در قبال ساکنان غرب هم چنان و از زمان ایجاد دولت از دو نظریه الهام می‌گیرد یک: اقلیت عرب ملزم به ساخت و ایجاد ایدئولوژی صهیونیسم نیست تا انتخاب خود به اسرائیل و وفادار بودنش به دولت را مورد تأکید قرار ندهد، بلکه آنچه از آن انتظار می‌رود این است که به خود به عنوان یک

اقلیت و گروه کوچک در اسرائیل نگاه کند و در برابر قوانین اسرائیل سرفرود آورد. فرضیه دوم که مستقیماً از نظریه اول سرچشمه می‌گیرد و به نظریه تغییر و تحول استناد می‌جوید، عنوان می‌کند فلسطینی‌های ساکن اسرائیل باید به این مسأله راضی باشند که هر قدر بهبود و گسترش اوضاع و احوال آنها به طول انجامد، هم چنان به عنوان شهروند آرام و سر به راه باقی بمانند و به زندگی خود ادامه دهند.

همچنین در اسرائیل دو مؤسسه وجود دارد که عهده‌دار ارائه خدمات اجتماعی هستند، آن دو عبارتند از: وزارت کار و رفاه اجتماعی و مؤسسه بیمه ملی. مهم‌ترین ویژگی زندگی اعراب در اسرائیل نبود مشارکت سیاسی در اتخاذ قرارها و تصمیمات مؤثر کشور است، این موضوع شامل هر دو بخش شهرنشینان و بادیه‌نشینان نیز می‌شود.

بنابراین دید عمومی و کلی یهود دربارهٔ برخسورد با فلسطینی‌های اسرائیل یا فلسطینی‌های سرزمین‌های اشغالی هم چنان بر چشم‌پوشی و بی‌توجهی دولت و زیرپانهادن اصول و قوانین بین‌المللی استوار است.

فصل دهم (وضعیت شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی) که



کرده و در آخر راه حلی برای آن از گذر ایجاد "امت مستقل یهود" بر سرزمینی که خود آن را در اختیار داشته و از آن آنها باشد، قرار داده بود. سازمان صهیونیسم ارگانی بین‌المللی است که اتحادیه‌های منطقه‌ای مختلفی را در برمی‌گیرد هر یک از این اتحادیه‌ها در حیطة دولتی که قرار دارند، فعالیت‌های خود را دنبال می‌کنند. سازمان هم‌چنین اتحادیه‌های بین‌المللی را نیز برمی‌گیرد که صهیونیست‌ها در آن براساس اصول اعتقادی-مذهبی، اجتماعی یا سیاسی با موافقت خود در سازمان عضو شده و فعالیت می‌کنند. در ابتدا سازمان برپایه اتحادیه‌های منطقه‌ای تشکیل شد، چون اعضایش در جمعیت‌های محلی و براساس اصول و اعتقادات فردی و شخصی گرد آمده بودند. سازمان در چارچوب اتحادیه‌های منطقه‌ای فعالیت‌های خود را آغاز کرد، که در رأس آنها کمیسیون‌هایی قرار داشتند که مسؤول فعالیت‌های صهیونیست‌ها بوده و از نمایندگان این اتحادیه‌ها کنگره عمومی صهیونیسم تشکیل می‌شد. اما با ظهور جریان ایدئولوژیکی و جناح‌های حزبی ساختار سازمان به دو قسمت تقسیم شد و اتحادیه‌های منطقه‌ای و حزبی توأم در آن ظهور کردند.

نویسنده آن خالد عاید می‌باشد که در واقع موجودیت اسرائیل را به خصوص در شهرک‌های یهودی نشین مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. زیرا اسرائیل از زمان اشغال فلسطین تا اوایل دهه نود سعی کرده است در تمام مناطق فلسطین و نوار غزه و بلندی‌های جولان سوریه شهرک‌هایی ایجاد کند. در حال حاضر در اراضی اشغالی عربی تقریباً ۲۱۰ شهرک یهودی نشین وجود دارد که اکثر آن‌ها در کرانه باختری متمرکز و مابقی بین بلندی‌های جولان و نوار غزه پراکنده شده‌اند. هم‌چنین از لحاظ انتشار، شهرک‌ها، سراسر اراضی اشغالی عربی را در درجه اول با هدف مستحکم کردن سلطه بر این اراضی در برگرفتند به همین دلیل شهرک‌هایی بدون توجه به مفهوم "امنیتی" و بدون توجه به مفهوم "اقتصادی" ایجاد شده‌اند. فصل یازدهم (مؤسسه صهیونیسم) نوشته الیاس شوفانی است. در این فصل عنوان شده که ایجاد سازمان صهیونیسم به دوره هرتزل برمی‌گردد، جنبش جهانی صهیونیسم به عنوان سازمان سیاسی ساخته (تئودور هرتزل) یهودی مجارستانی است که آن را در کتاب "دولت یهود" که سال ۱۹۸۶ منتشر کرده مطرح نمود و در آن برداشت خود را از ریشه‌های "مسأله یهود" بیان

فصل دوازدهم (یهودیان جهان) نوشته عبدالوهاب محمدالمسیری، آخرین فصل کتاب می‌باشد، از مطالب مطرح شده در این فصل این که اعضای گروه‌های یهودی را بر اساس نژاد به سه مجموعه و گروه بزرگ می‌توان تقسیم کرد. (۱) سفاردیان: یهودیانی هستند که به زبان لادینو سخن می‌گویند و از نسل یهودیانی هستند که در شبه جزیره ایبری زندگی می‌کردند، آنها آداب و رسوم خاصی هنگام خواندن نماز و اجرای آیین‌های دیگر مذهبی دارند و در واقع طبقه آریستوکرات یسهود را تشکیل می‌دهند. (۲) یهودیان شرقی و جهان اسلام، مهم‌ترین این گروه‌ها یهودیان کشورهای عربی یا عرب زده یا کسانی که میراث عربی را پذیرفته‌اند، هستند و جزئی لاینفک از این تمدن شده‌اند. (۳) اشکنازیان، ریشه این یهودیان به شرق اروپا

باز می‌گردد، وجه مشخصه اشکنازیان در سخن گفتن آنها به زبان ییدیشی است.

اما از بعد مذهبی می‌توان یهودیان جهان را به دو قسمت اساسی تقسیم کرد: (۱) یهودیان بت پرست که ارتباط کامل خود را با عقیده و آیین یهودیت و میراث مذهبی آن قطع کرده و اعتقاد دارند، یهودیت آن‌ها در بت پرستی ایشان یا در اسلوب، شیوه زندگی و میراث فرهنگی‌شان نهفته است. (۲) یهودیانی که به نوعی به آیین یهود ایمان دارند که خود شامل، یهودیان ارتدوکس، یهودیان اصلاح طلب و یهودیان محافظه کار می‌شوند.

نوشین یاوریان

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی